



# این گونه زمامداری...

اخلاق زمامداری از نگاه بزرگان

فائزه فلاطونی

اشاره

اشاره: در مقاله حاضر کوشیده‌ایم تا از نگاه سه تن از بزرگان، به تبیین شاخصه‌های اخلاق زمامداری و بایسته‌های آن بپردازیم. حضرات آیات شهید دکتر بهشتی، جوادی آملی و مظاهری از جمله بزرگانی هستند که دیدگاه‌هایی سودمند را در این زمینه ارائه کرده‌اند. دیدگاه‌های این بزرگان را استخراج، خلاصه و دسته‌بندی کرده و به محضر تان تقدیم می‌کنیم.

## آیت‌الله شهید بهشتی

### تأمین مصالح عمومی

تأمین مصالح و ضمانت آن، برگزیده بودن حکومت، دخالت اراده مردم در نصب و عزل حکومت و تعیین برنامه از اموری است که خداوند تعیین می‌نماید. ضامن بودن خدا نیز به این معنی است که از جانب خود، حکومتی بر مردم فرستاده است؛ هر چند هنگام تعیین حکومت، اراده مردم دخیل نبوده اما پس از آن که به اراده خداوند تعیین گردید، بدین معنی نیست که حکومتی مخالف اراده مردم به آنان تحمیل گردد. کسی که از جانب خدا به حکومت منصوب گشته است، مصالح عمومی (مصلحت مادی، معنوی، اخلاقی و دینی کل جامعه بشری در طول زمان‌ها) را به بهترین وجه ممکن تأمین می‌نماید.<sup>۱</sup>

### عدم انحراف از سیره پیامبر

ای مسؤلان جمهوری اسلامی! خطاب به خودم که یکی از شما هستم و خطاب به بقیه که شما هستید؛ ما اگر ذره‌ای از این سیره نبی اکرم منحرف شویم، اگر در مناسبات داخل جامعه اسلامی و مناسبات بیرون جامعه اسلامی، تنها القیابی که با آن حرف می‌زنیم القیای قدرت باشد، به خدا سوگند این جمهوری دیگر جمهوری اسلامی باقی نخواهد ماند. ما اگر در هر برخورد، در هر رفتار، در هر رابطه نشان بدهیم که عاشق آن هستیم که انسان‌هایی را به راه نورانیت و اسلام وارد کنیم، با سخن مان، با عمل مان، با عدل مان، با حق مان و با صدق مان و حاکمیت بر جامعه‌ی اسلامی، حاکمیت صدق و حق و عدل شود، آن وقت است که می‌توانیم مطمئن باشیم جمهوری اسلامی ما جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.<sup>۲</sup>



۱- شهید بهشتی، سه گفتار، صص ۲۹ و ۳۱

۲- سخنرانی آیت‌الله بهشتی در مسجد جامع نیشابور، تاریخ هفدهم دی ماه ۱۳۵۹



## اقدام بر اساس کتاب و سنت

تعیین پیامبران و امامان از جانب خداوند هر چند تعیینی است، اما تحمیلی نمی‌باشد و ایمان مردم اطاعت از آنان را به دنبال می‌آورد. در عصر غیبت نیز امامت نه تعیینی است و نه تحمیلی، بلکه شناختنی، پذیرفتنی و با انتخابی است. در رأس طرح اسلام برای «مدیریت جامعه» اصول عقیدتی و عملی اسلام بر اساس کتاب و سنت وجود دارد که پیامبر، امام و نایب امام باید مطابق آن عمل نمایند.<sup>۲</sup>

ساخت حکومت نرسیده است.<sup>۶</sup>

## خدمت به مردم

ما چاره‌ای جز این نداریم که هر مساله دیگری سر راهمان باشد، به آن اهمیت ندهیم و همچنان در متن مردم و در دل جامعه و با شما مردم روزها را و ساعت‌ها را با همان تواضع و فروتنی و بکرنگی و بی‌آلایشی و صفای اسلامی بگذرانیم.<sup>۷</sup>

## پرهیز از تشنگی قدرت

قدرت به صورت یک تمنا و هوی و هوس برای بسیاری از انسان‌ها جاذبه دارد. خیلی‌ها دل‌شان برای قدرت‌مند شدن و ریاست لک می‌زند. بسیاری مردمی که همه‌ی بهره‌مندی‌ها و تمتعات دیگر زندگی را حاضرند فدای قدرت کنند؛ اما بت آن‌ها و مقصود آن‌ها قدرت و ریاست است. .... من به این‌ها لقب «تشنگان قدرت» می‌دهم، می‌گویم این‌ها کسانی هستند که هیچ چیز جز جاه و جلال و جبروت و قدرت و ریاست ارضی‌شان نمی‌کند. در میان این‌ها به چهره‌هایی برخورد می‌کنیم که حتی ناموسشان را در راه دستیابی بر ریاست و قدرتشان داده‌اند. .... در نظام اسلام، حکومتی که آهنگ تشنگی قدرت، جاه و جلال، کبریا و عظمت داشته باشد، این حکومت، حکومت اسلامی نیست؛ این حکومت، طبیعتش، ماهیتش، بقائش، همه چیزش، خود به خود ضد اسلام است. .... خدا گواه است اگر در نظام جمهوری اسلامی ما این اصل خدشه‌دار شود، هر یک از ما که مسؤولیتی را از جانب امت و امام بر عهده داریم، هوس پیدا کنیم که ما نیز دارای جاه و جلال و جبروت باشیم، ولو به تعداد بسیار کم، آن وقت زلویه انحرافی از خلق متعالی توحیدی اسلامی در جامعه‌مان پیدا شده و باید نگران کیلومترها انحراف از مسیر پاک و مقدس و نورانی اسلام باشیم.<sup>۴</sup>

## مهربانی با مردم

من وقتی می‌بینم مسؤولان مختلف جمهوری اسلامی از هر نظر می‌کوشند ساده و مردمی باشند، دل قوی می‌دارم و خدای را سپاس می‌گزارم که خدایا می‌توان به ادامه رحمت امیدوار بود که ما هم همچنان هر چه جلو می‌رویم، مسؤولانی از این قبیل داشته باشیم. وقتی فرماندارها، استاندارها، وزرا، معاونان و مسؤولان گوناگون را می‌بینیم که این‌ها رفتارشان با مردم رفتاری پرمهر و متواضعانه است، احساس شرف می‌کنم و امیدوار می‌شوم که این خط پاک پرفروغ همچنان به جلو می‌رود. جز این راهی وجود ندارد، جز این زمینه امید به آینده وجود ندارد. اگر این جا کشور شیعیان علی (علیه السلام) است، اگر این جا سرزمین پیروان محمد (صلی الله علیه و آله) است، باید رفتار و روش همه حکومت‌کنندگان چنین باشد.<sup>۵</sup>

## رفتار متواضعانه با مردم

من در این رابطه بار دیگر سخن را به روحانیت عزیز متوجه کنم؛ روحانیت! روحانیان و علمای اعلام! ما می‌توانیم بر مسند قدرت بنشینیم، اگر توانایی آن را داریم، اگر آمادگی بار سنگین مسؤولیتش را داریم، اگر عرضه و لیاقت و ایمان و توانایی و کاردانی داریم، بر یکی از این مسندهای قدرت بنشینیم، این اشکالی نیست، انسانی که توانایی دارد (خواهی عمامه بر سر و خواهی کلاه باش) بالاخره وظیفه است باید بر عهده بگیرد، این اشکالی ندارد، ولی ما نباید با دست قدرت با مردم رابطه برقرار کنیم و اگر چنین کردیم هم روحانیت را آلوده کرده‌ایم، هم حکومت را، تواضع و فروتنی و مردمی بودن و قدرت را در خدمت مردم به کار انداختن برای همه کسانی که در حکومت سهم و مسؤولیتی دارند، وظیفه است و برای روحانیونی که مسؤولیت می‌پذیرند وظیفه به توان دو؛ برای این که تنها با یک چنین مواظبت و مراقبت و محاصره به نفسی است که می‌توانند این دو رسالت را با هم درآمیزند، هم وظیفه‌ای از وظایف سنگین اداره و مدیریت جامعه را عهده‌دار شوند - هر کسی اعم از روحانی و غیرروحانی توانایی و آمادگی قبول یک مسؤولیت حکومتی داشته باشد و قبول نکند امروز گناه کرده است - و هم می‌توانند نقش روحانیتی خود را حفظ کنند و ایفا کنند که «تواضع زگردن فرازان نکوست»<sup>۸</sup>

## پرهیز از تشریفات و تجملات

ماها وقتی در جامعه می‌آییم و می‌رویم، قلبمان دوست دارد همان طلبه‌ای باشیم که هستیم، با همان شیوه در جامعه آمد و شد داشته باشیم، تشریفات ولو به اندازه سر سوزن برای آمد و شد ما قائل نشوید. .... ما باید از همین سپیده‌دم جمهوری اسلامی اگر دو تا چشم داریم ده چشم دیگر هم قرض کنیم، مواظب باشیم دچار انحراف نشویم. در اسلام حکومت در خط اشباع و ارضا و میل به قدرت، حرام است، گناه است و عقاب دنیا و آخرت را به همراه دارد.<sup>۵</sup>

## خدمت بی‌منت به مردم

در اسلام حکومت در هر حدی، در هر منصبی، در هر درجه‌ای، در هر جایی، تنها و تنها بار سنگین‌تر را بر دوش کشیدن است. حکومت، یعنی شرایط و امکانات بیش‌تر خدمت را در اختیار گرفتن. هر کسی شرایط و امکانات بیش‌تر خدمت در اختیارش بگذارد، وظیفه و مسؤولیتش در جهت خدمت به مردم خود به خود سنگین‌تر می‌شود. انقلاب اسلامی ما تا وقتی که تمام افراد قرار گرفته در شبکه حکومت، عاشقان خدمت بی‌منت به مردم نشوند، به مرحله مطلوبش در بافت و

## خدمت خالصانه به مردم

هر قدر مردم ببینند انسان‌هایی امکان گردن‌فرازی دارند، امکان جاه و جلال و جبروت دارند، اما ساده و مردمی رفتار می‌کنند، هر قدر مردم این را از آن‌ها ببینند، سخن آن‌ها و عمل آن‌ها برای مردم سازنده‌تر و مؤثرتر

۶- همان

۷- همان

۸- همان

۹- همان

۳- شهید بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، ص ۱۸ و ۱۹

۴- سخنرانی آیت‌الله بهشتی در مسجد جامع نیشابور، هفدهم دی ماه ۱۳۵۹

۵- همان



توانست با ملت تا همیشه در یک راه بروند. در اسلام و در نظام اداری اسلام، امام امت و مسؤولان امت و ولات و والیان و مسؤولان بخش‌ها و مناطق مختلف، این‌ها باید با مردم باشند و با مردم حرکت کنند.<sup>۱۳</sup>

### گریز از غرور و تشریفات

ما راهمان این است، ما این راهمان را به هیچ قیمت از دست نخواهیم داد. پیوند میان اسلام و روحانیت و روستاییان و کشاورزان عزیز، کارگران عزیز، زن و مرد شهری و روستایی، دانش‌آموزان و دانش‌جویان و معلمان عزیز، پیوند این چنین است و ما تداوم انقلاب و تداوم این جمهوری اسلامی را تنها و تنها در ادامه این را می‌شناسیم. این است که مولا علی (علیه السلام) که یک روحانی و امیرمؤمنان است و یک حاکم است، در همان خطبه حقوق حاکم بر مردم و حقوق مردم بر حاکم، خطاب به مردم می‌گویند: ای مردم! مبدا تحت تأثیر رسوبات فرهنگ جاهلی گذشته با علی هم با همان آداب و تشریفات حرف بزنید که با جباران سخن می‌گفتید، با علی آن طوری که با پیغمبر حرف می‌زدید حرف بزنید، علی جانشین پیغمبر است.<sup>۱۴</sup>

### پرهیز از کاغذبازی

در نظام اداری اسلام براساس اعتماد والیان به مردم، این پیچیدگی کسل‌کننده ملال‌آور که در نظام کاغذبازی و بوروکراسی و دیوان‌سالاری و کاغذبازی ناشی از ضعف اعتماد است، اگر قرار باشد نخست وزیر به وزرا اعتماد کند، یعنی وزرا در خور این اعتماد باشند، وزیر به معاونانش اعتماد کند، یعنی معاونان شایسته این اعتماد باشند، معاونان به مسؤولان بعدیشان اعتماد کنند، حکومت مرکزی بتواند به استاندارها اعتماد کند، استاندار بتواند به فرماندارها اعتماد کند، اگر شبکه اداره به شبکه اعتماد تبدیل بشود، بسیاری از این کاغذبازی‌ها دیگر زمینه نخواهد داشت.<sup>۱۵</sup>

### احساس مسؤولیت در برابر همه مردم

مدیران کشور و مدیران جامعه در عین آن که باید برای حاکمیت مکتب کوشا باشند و در برابر خدا و دین خدا و خلق خدا از این نظر مسؤولانه عمل کنند، در عین حال باید بدانند مکتب اسلام در پی جذب و پرورش و رشد دادن به همه انسان‌هاست، مدیران اداره کنندگان باید خود مسلمانان قبلاً ساخته شده باشند، اما وظیفه آن‌ها این است که جوّی و جریانی به وجود آورند که آن‌هایی که تا حالا ساخته نشده‌اند در آن جوّ و آن جریان امکان ساخته شدن پیدا کنند و آن هم با امکانی بالا. خواهش می‌کنم به این نکته باز توجه کنید، چون این نکته، نکته مهمی است در نظام اسلامی؛ مبدا مسؤولان اداره کشور فکر کنند چون ما روی مکتبی بودن مسؤولان و کارکنان تا این اندازه پافشاری داریم، بنابراین، بگویند به این که آقا ما حکومتی هستیم، در خدمت مؤمنان نیست این طور؛ ای مؤمنان دست‌اندرکار حکومت، شما حکومتی هستید در خدمت کل انسانیت، نه فقط در خدمت مؤمنان، رسالت شما این است که با حسن مدیریتتان جوّی و جریانی به وجود آورید که در آن جوّ و جریان انسان‌هایی که هنوز مؤمن نیستند با تمام قلب رو به ایمان و رو

خواهد بود. بنابراین، روحانیت دست‌اندرکار حکومت، در این رابطه وظیفه مضاعف دارد. دادستان انقلاب، حاکم شرع، قاضی دادگاه مدنی، مسؤول کمیته، اگر روحانی باشد و امثال این‌ها، از کسانی که احياناً در کسوت روحانیت مقام و قدرتی و حکومتی در اختیار دارند، مواظب باشند خدای از من و شما حساب‌کنشی‌اش سنگین‌تر از دیگران است و حکومت‌کنندگان دیگر آن‌ها که معمم نیستند و روحانی نیستند، آن‌ها هم مواظب باشند در جمهوری اسلامی حکومت و قدرت برای خدمت است و تنها حکومت و قدرتی که در جهت خدمت خالصانه به مردم باشد، مشروعیت دارد و حکومت و قدرتی که در این جهت نباشد، مشروعیت ندارد.<sup>۱۶</sup>

### تلاش برای مسؤولیت دادن به مردم

یکی از پایه‌های اساسی حفظ دین، خوداداره کردن و خودگردانی در هر فرد مسلمان است و در جمع مسلمان‌ها بهترین مدیریت بر طبق معیارهای اسلام، مدیریتی است که به عناصر و افراد و به مردم محل‌ها امکان بدهد که خودشان را براساس معیارهای اسلامی اداره کنند؛ خودگردانی براساس معیارهای اسلامی، این روح سیاست اداری در نظام اسلام است؛ لذا می‌بینیم که در زمان مولا علی (علیه السلام) که نامه‌های آن حضرت به عنوان امیرمؤمنان به والیان و قضاتش در اطراف سرزمین پهنای اسلام به مقدار زیادی به یادگار مانده و در نهج‌البلاغه گردآوری شده، در این نامه‌ها می‌بینیم که مولا به ولاتش در چارچوب مکتب، اختیارات تام می‌دهد و مسؤولیت تام هم می‌خواهد و تازه از ولات می‌خواهد که تنها خود را مسؤول اداره قلمرو ولایت‌شان ندانند، بلکه بکشند تا مردم قلمرو مسؤولیت‌شان را در اداره امور آن جا و در اقامه صلاح امت و صلاح دین در آن جا دخیل و شریک و سهیم کنند و حتی مسؤولیت اصلی را بر عهده آن‌ها بگذارند و برای این که بشود مردم خودشان در اداره امورشان صمیمانه حضور پیدا کنند، یک چیز از همه مهم‌تر است و آن ایمان مردم به زمامداران است.<sup>۱۷</sup>

### در متن جامعه بودن

امام از نظر بینش و از نظر منش و رفتار می‌تواند صدها برابر از امت خودساخته‌تر و متکامل‌تر باشد ولی از نظر جایی که قرار می‌گیرد، حق ندارد جا، و قرارگاهش آن قدر از امت جلوتر باشد که میان او و امت یک فاصله پرنشدنی همواره وجود داشته باشد؛ زیرا چنین امامی خودبه‌خود نقشی در راهبری امت نخواهد داشت. امام باید فاصله پیشتازی‌اش در مقام عینیت با امت آن قدر باشد که امت او را با تمام ویژگی‌هایش بتواند ببیند و به او اقتدا کند.<sup>۱۸</sup>

### ایمان به ملت

برای این که ملت خودش را از دولت جدا نداند، باید به این دولت ایمان و اعتقاد داشته باشد و دولت موظف است متقابلاً به ملتش ایمان داشته باشد. کسانی که به عنوان زمامداران این بلوغ، این رشد، این عشق، این شوره، این ایمان، این فداکاری در ملت ما نباشند، این‌ها هرگز نخواهند

۱۰- همان

۱۱- محمدرضا سربانندی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید بهشتی، صص ۳۵۶ تا ۳۷۰

۱۲- مدیریت و رهبری از دیدگاه شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، فصلنامه مصباح، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۳۶-۳۴

۱۳- محمدرضا سربانندی، پیشین، صص ۳۵۶ تا ۳۷۰

۱۴- سخنرانی آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی در مسجد جامع نیشابور، هفدهم دی ماه ۱۳۵۹

۱۵- محمدرضا سربانندی، پیشین، صص ۳۵۶ تا ۳۷۰



به خدا بیاورند، این یک اصل مهم است.<sup>۱۶</sup>

### انتقادپذیری

ما هیچ وقت نباید از خود راضی باشیم، ما باید همیشه گوش بدهیم که «المؤمن مرآت المؤمن» چشم‌مان را باز کنیم ببینیم اگر نقصی داریم در بیان و زبان و برخورد با برادران‌مان، این نقص خودمان را بازشناسی کنیم و برطرف کنیم. بنابراین، ما می‌خواهیم همه‌مان تا آخر عمر این خصلت سازنده اسلامی را که در آن هم تواضع و فروتنی است، هم بندگی خداست و مایه نزدیک‌تر شدن به یکدیگر است حفظ کنیم.<sup>۱۷</sup>



آیت‌الله جوادی آملی

### رابطه بین کارگزار و مراجعه‌کننده، حفظ پیوند بندگی با خداست

رابطه بین کارگزار و مراجعه‌کننده در نظام اسلامی، تنها حول محور قرارداد و اعتبار اداری نمی‌گردد؛ چون انگیزه در این نظام، همانا صیانت پیوند با خداوند است که همگان با ذات اقدسش ارتباط وجودی دارند و اگر مسائل دیگری مانند استخدام و ریاست یا معاونت و... مطرح است، فقط به منظور ایجاد نظم صورتی در جامعه می‌باشد؛ و گرنه تنها عامل ارتباط بین افراد مسلمان در یک نظام اسلامی، همان حفظ پیوند بندگی باخدای سبحان است

### هدف باید تقرب به خداوند باشد

این پیوند مقدس، در صورتی یافت می‌شود و می‌ماند که هم اصل کار مطابق با دستور وحی آسمانی باشد؛ یعنی کار حلال، و عمل مشروع باشد و هم انجام آن برای تحصیل رضای پروردگار بوده، هدفی غیر از تقرب

۱۶- همان

۱۷- همان

به خداوند در قلب کارگزار راه پیدا نکند (حُسن فعلی و حُسن فاعلی). اگر کاری مشروع نبود یا بر فرض مشروعیت آن، انگیزه کارگزار تحصیل خرسندی خداوند متعالی نبود، بلکه بر اساس روابط قراردادی صورت پذیرفت، همانند سرابی خواهد بود که هرگز تشنه مقام و نیازمند به کمال را سیراب نمی‌کند. در قیامت که روز ظهور پیوند حقیقی و گسستن ارتباط قراردادی و اعتباری است، کارگزارانی که پایه کارشان بر اساس مشروعیت آن و تحصیل رضای الاهی بوده، مسرورند و کارمندانی که کارشان نامشروع یا هدفشان رسیدن به مقام وهمی و حفظ پیوند قراردادی بوده، غمگین هستند؛ زیرا آن‌چه را که حق و صواب بوده، فراهم نکرده‌اند تا بماند و سودمند باشد و آن‌چه فراهم نموده‌اند، باطل و ناپایدار بود و با فرا رسیدن روز حقیقت، رخت بر بسته است.

### لزوم رعایت عواطف و اخلاق

چون رعایت عواطف و اخلاق، همانند مراعات حقوق و احکام، در اسلام از اهمیت‌ی خاص برخوردار است و احترام به عواطف از بهترین چهره‌های حقوق معنوی انسان‌ها در نظام اسلامی به شمار می‌آید، لذا لازم است کارگزاران ارجمند این نظام الاهی، به آن‌ها عنایت خاص داشته باشند.

### لزوم رعایت تعهد و میثاق

تعهد ایجاب می‌کند که انسان متعهد، خود را وامدار عهد خویش بداند و به آن بدون هیچ کاستی وفا کند؛ «یا ایها الذین امنوا أوفوا بالعقود...»؛ ای کسانی که به خداوند ایمان آوردید! به عقد و عهد خود وفا کنید؛... و الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا...؛ نیکان، کسانی هستند که به عهد خود وفا می‌کنند و رعایت عهدها را همانند عبادت خداوند، گرامی می‌دارند. «و أوفوا بالعهد إنَّ العهدَ كانَ مسؤولاً»؛ به میثاق خود عمل نمایید و به آن وفا کنید؛ زیرا هنگام محاسبه الاهی رعایت عهد مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ و در این جهت، فرقی بین عهد با خدا و عهد با بندگان وی نیست؛ پس کارگزار اسلامی که متعهد به انجام خدمات صادقانه است، در قیامت مسؤول خواهد بود

### لزوم ادای امانت و حرمت خیانت

قبول سمت و پست، به منزله پذیرش امانت جامعه به شمار می‌رود و ادای امانت، واجب و خیانت به آن حرام است: «إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...»؛ خداوند به شما امر می‌کند که هر گونه امانتی را به صاحب آن برگردانید. خواه امانت‌های مادی باشد، خواه معنوی، خواه به شخصیت‌های حقیقی باشد، خواه به شخصیت‌های حقوقی؛ «یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا أماناتکم...»؛ ای مؤمنین! به امانت خداوند و پیامبر خیانت نکنید. همچنین به امانت‌های خودتان خیانت ننمایید. «والذین هم لا اماناتهم و عهدهم راعون»؛ مردان با ایمان، امانت‌ها و عهدهای خود را مراعات می‌کنند.

### پرهیز از مال حرام و رشوه

هر کارگزاری مسؤول است برابر تعهد معین، کار مباح مخصوص به حوزه وظیفه خود را انجام دهد و اگر عمداً از انجام آن امتناع نمود، حقوقی که دریافت می‌کند، حرام است. همچنین اگر بخواهد برای تضييع حق دیگران یا احقاق باطل و ابطال حق، مالی را از مراجعه‌کننده بگیرد، کار حرامی کرده است: «ولا تأكلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها إلى الحُکام





بندگان خدا برخوردار و از لغزش‌های اخلاقی و اجتماعی برکنار باشیم.

### گفتارمان عالمانه و محققانه باشد

ذات اقدس الاهی که مستخلف‌عنه ما است و ما خلیفه او هستیم و در صراط خلافت او داریم گام برمی‌داریم، همه حرف‌های او صدق است و حق و «من اصدق من الله قبلا» «و من اصدق من الله حدیثا» و مانند آن ما هم موظفیم در گفتارمان عالمانه و محققانه باشیم که در این بخش ما خیلی بحث نکنیم چون این فضا فضای انتظامی است، اگر در آموزش عالی بود فضای فرهنگی بود، در این زمینه انسان بیش‌تر بحث می‌کرد؛ خوب ما در این قسمت فعلا بحثی نداریم که «وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» باشید «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» باشید، تصدیق‌مان عالمانه تکذیب‌مان عالمانه این مدار فرهنگی است.<sup>۱۸</sup>



آیت‌الله مظاهری

### تخصص و تعهد

درباره طالبوت و جالوت در قرآن کریم آمده است که: جنگی بین حق و ناحق اتفاق افتاد، و از پیامبر آن زمان خواسته شد که رئیس و فرماندهی برای لشکر تعیین کند. آن پیامبر از خداوند خواست تا فرماندهی معرفی نماید، پروردگار عالم، جوانی را برای فرماندهی لشکر برگزید. مردم اعتراض کردند که این جوان است و مناسب فرماندهی و ریاست نیست. آن پیامبر از سوی خداوند به مردم اعلام کرد که این جوان، دو صفت دارد: تخصص و تعهد. از این قرآن، به خوبی می‌فهمیم که این دو صفت ویژگی اولیه یک مدیر موفق است.

۱۸- این مطالب از مجموع چند سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی برگرفته از سایت ایشان گردآوری شده است.

لَتَأْكُلُوا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» اموال خود را به باطلی که خارج از محور دین و قانون الاهی است، مصرف نکنید و آن‌ها را عمداً به قاضیان و حاکمان ندهید تا از رهگذر این کار حرام، مقداری از اموال و حقوق دیگران را به پتنگ آورید.

### قوام به قسط و عدل بودن

گرچه بر هر مسلمانی لازم است که عادل باشد و به قسط قیام کند، لیکن کارگزاران نظام اسلامی، مخصوصاً عهده‌داران سمت قضا و داوری، باید بیش از دیگران به ملکه فاضله عدالت متصف باشند؛ لذا قرآن کریم درباره آنان چنین فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» ای مؤمنین! برای اقامه قسط و عدل، قوام باشید یعنی شدت قیام و ایستادگی را رعایت نمایید و حتی اگر اقرار به حق یا شهادت به آن، به زیان شما یا پدر و مادر و نزدیکان بود، به اقامه آن مبادرت کنید. توانگری یا تهیدستی افراد، مانع اقامه عدل و داد نشود و رعایت حکم خدا درباره آنان اولی و سزوارتر است و از پیروی هوس بپرهیزید؛ مبادا از اجرای عدالت بازمانید! و اگر از ادای شهادت سرپیچی کردید یا اعراض نمودید، خداوند همواره از کار شما با خبر بوده و هست. غرض آن است که در مسؤوولان نظام اسلامی، غیر از آن‌چه در شهروندان متعارف معتبر است، چیز دیگری لازم است و آن این که قوام به قسط و عدل باشند تا از گزند هرگونه تبعیض و اهمال و ندانم‌کاری و مانند آن مصون باشند.

### پرهیز از تشویق و پاداش ناروا

گرچه ترغیب خدمت‌گزاران راستین، لازم و تکریم کارگزاران امین و متعهد، سودمند است، لیکن توقع نابجا و انتظار بی‌مورد کسی که کاری انجام نداده و دوستدار تشویق و ستایش است، مایه عذاب وی خواهد بود: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيَجِئُونَكَ أَنْ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ می‌پندارید کسانی که به آن‌چه کرده‌اند (کم‌کاری و نفاق و عدم حضور در صحنه و...) خوشحال‌اند و دوست می‌دارند که در قبال کارهای نکرده، ستایش شوند و از عذاب الاهی رهایی یابند! بلکه برای آنان عذابی است دردناک!

### خطر جاه‌دوستی و مال‌خواهی

فرزانه کسی است که وسیله را هدف نپندارد و غیر از هستی محض و لقای خداوند که همان حقیقت هستی است هرچیز دیگر را وسیله بداند و به چیزی که گذراست، دل نبندد؛ زیرا خطر مال‌دوستی و جاه‌طلبی به قدری زیاد است که اگر کسی به آن مبتلا شد، چیزی از ایمان او نمی‌ماند.

پیامبر اکرم ﷺ به ابودر، صحابی نامور و مبارز نستوه و زاهد شب و شیر روز، چنین فرمود: «يَا أَبَاذْر! حُبُّ الْمَالِ وَالشَّرْفِ أَذْهَبَ لِدِينِ الرَّجُلِ مِنْ ذَنْبَيْنِ ضَارِبَيْنِ فَيَرْزُبُ الْغَنَمَ فَأَغَارًا فِيهَا حَتَّىٰ أَصْبَحَا فَمَاذَا أَبْقِيَا مِنْهَا»؛ دوستی مال و جاه، دین مَرَد را بیش از آن اندازه می‌برند که دو گرگ خون‌آشام شبانه به آسایشگاه گوسفندان حمله برند و در بامداد چیزی از آن رمه باقی نگذارند!

اگر کارگزاری برای به دست آوردن جاه یا برای حفظ آن کوشش کند، از آسیب آن مصون نخواهد ماند. امید است همگان از توفیق خدمت به



## ایجاد مواسات و عدالت

این شرط، بسیار مهم است، و باید همگی سعی کنیم با زیر دستان خود مدارا نموده و با آنان مثل یک رفیق صمیمی و برادر برخورد کنیم و قانون مواسات بین ما حاکم باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر می‌فرماید: ای مالک! فرماندارها و فرماندهان لشکر تو باید از افرادی باشند که مواسات بر وجود آنان حاکم است. مواسات، قانون بسیار مهمی است، و کپی شده از عالم تکوین است. مواساتی که اسلام دارد از عالم تکوین نشأت گرفته است. انسان اعضای مختلفی دارد؛ پا، دست، چشم و... در بین اعضا، سر به منزله رئیس است در بدن. لذا می‌گویند: سر انسان از اعضای رئیسه است. بین سر و بقیه اعضای بدن قانون مواسات و برابری حاکم است و سر هیچ گاه تحمیل کننده بر بقیه اعضای بدن نیست و با آنان مستبدانه بر خورد نمی‌کند.

## منطقی بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیر موفق این است که رئیس و مسؤول با استدلال و منطق به میدان کار وارد شود نه با زور و قلدری. البته ممکن است با زور و تحمیل تشکل به وجود بیاید اما به قول شیخ‌الرئیس بوعلی سینا رحمه الله چنین نظمی دوام و استمرار نخواهد داشت. شما اگر سنگی را به وسیله زور و نیروی بازو به طرف بالا پرتاب کردید، آن سنگ به اندازه زور و بازوی شما بالا خواهد رفت و بیش از آن ادامه نخواهد یافت، و سرانجام به طرف پایین خواهد آمد طبق فرموده قرآن، اگر پدر، مادر و رئیسی بخواید نظرش را بر زیر دستانتان تحمیل کند نه تنها پیشرفتی ندارد که آنان را عقده‌ای بار خواهد آورد. لذا اگر تندخویی و خشونت به میان آمد انسان به جای گرفتن نتیجه مثبت، با سرعت تمام به سوی ضدمطلوب خود می‌رود.

## پرهیز از تندخویی

رئیس تندخو و نامهربان، گذشته از این که در مسند مدیریت ناموفق بوده و شکست می‌خورد، مصیبت فشار قبر را نیز برای خود خریده است. معاذ، جوان پاک و خوبی است، جبهه رفته و برای اسلام پیکارهای فراوان نموده است، زمانی که از دنیا رفت فرشتگان به قدری در تشییع جنازه‌اش شرکت نموده‌اند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: زمین در تشییع معاذ از ملائکه پر شده است. رسول گرامی اسلام در تشییع و غسل و کفنش شرکت کردند، و با دست مبارک خود بر قبر گذاشتند، اما زمانی که قبر را با خاک پر نموده و روی آن را پوشانیدند، پیامبر رو به اصحاب کرده و فرمودند: قبر چنان فشاری به معاذ داد که استخوان‌های سینه‌اش در هم شکست، اصحاب تعجب کردند و پرسیدند: یا رسول الله! معاذ که انسان خوبی بود. پیامبر فرمود: آری! آدم خوبی بود، بهشت هم می‌رود، اما در خانه با زیر دستانتان رفتار تند می‌داشت و تندخو بود.

## سعه صدر

دریادلی و سعه صدر، از صفات لازم یک مدیر است. با این ابزار است که مسؤولان و مدیران می‌توانند با حوادث رو به رو شوند و مشکلات مردم را درک کنند. از همین روست که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: آله الریاسة سعة الصدر؛ ابزار ریاست، سعه صدر است. مسؤول و رئیس، در اثر زیادی ارباب رجوع و سختی کار، و بد بودن افراد زیر دست هرچه که خسته و عصبانی باشد باز نمی‌تواند بداخلاقی کند و از مرز اعتدال خارج شود و

برخورد خشن و نامناسب با ارباب رجوع داشته باشد و در نتیجه، کار خوب و خدمات گذشته‌اش را حیط و نابود کند عزیزان! به خاطر داشتن میز ریاست یا معاونت، مغرور نشوید و خود را گم نکنید، این عنوان‌ها همه هیچ است.

## قاطعیت

انسان وقتی شرح زندگی افرادی که در دنیا پیروز و موفق بوده‌اند را می‌شنود و یا درباره آنان مطالعه می‌کند به این نتیجه می‌رسد که پیروزی و موفقیت این گروه، مرهون قاطعیت آنان است. منظور از قاطعیت تشخیص وظیفه، تشخیص راه رسیدن به هدف، جدیت در گفتار و ایمان به پروردگار عالم است، اگر کسی این چهار صفت را دارا باشد قاطعیت دارد بنابراین، اگر کسی بخواهد کاری انجام دهد و به هدف برسد، ابتدا باید هدف را در نظر بگیرد و آن را به خوبی تشخیص بدهد، سپس راه آن را بیابد و بداند که از چه راهی رفت. در مرتبه سوم باید در گفتار خود جدی باشد؛ یعنی گفتار و کردارش با هم بخواند و تنها شعار نباشد. در مرحله چهارم - و بلکه باید گفت قبل از همه این‌ها - امید به خدا داشته باشد و او را پناه و پشتیبان خود بداند.

## صبر و استقامت

یکی دیگر از شرایط مدیر و مسؤول، صبر و استقامت است. باید بدانیم که در دنیا مشکل فراوان است و هیچ کس بی‌مشکل و گرفتاری نیست. دنیا را بلا و گرفتاری احاطه کرده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: دنیا با بلا و مصیبت، پیچیده شده است همان طور که اگر انسانی در آب باشد، آب محیط بر اوست. انسان نیز در دنیا به وسیله گرفتاری و مصیبت‌ها احاطه شده است و تنها چیزی که هست این که مشکل‌ها بزرگ و کوچک بوده و انواع مختلف دارد. امروز به رنگی است و فردا به رنگ دیگر. ما باید قبل از هر چیز درک کنیم که: زندگی همراه با مشکلات است. در اداره و در اجتماع با سختی‌ها و گرفتاری‌های متعدد روبه‌رو خواهیم بود و باید آن‌ها را یکی پس از دیگری حل کنیم، و بر موج‌ها سوار شده، آن‌ها را پشت سر بگذاریم؛ نه آن که تسلیم امواج شده و خود را به امواج بسپاریم. همچنین باید بدانیم که: رسیدن به موفقیت و کمال، مرهون مشکلات است؛ و تنها بدین وسیله می‌توان به هدف رسید. اگر بی‌صبری و ضعف از خود نشان دهی، به جایی نمی‌رسی، اگر زحمت ۲۳ ساله پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نبود صدای اسلام به جایی نمی‌رسید. اگر صبر و استقامت شیعه نبود، ولایت و فقاقت همانند امروز سر بلند نمی‌شد مردم ایران در اثر صبر و استقامت و تحمل ناگواری‌ها بود که توانستند انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند بنابراین، شما مسؤولان، مدیران و کارمندان و کارکنان عزیز اداره و سازمان‌ها که حل مشکل و گرفتاری جامعه به دست شما است، صبر و استقامت داشته باشید، ارباب رجوع را از خود و انقلاب نرنجانید، درست است که توقعات بی‌جا زیاد است و کمبودها فراوان و راضی کردن مردم کاری مشکل است اما چه باید کرد؟ ارباب رجوع مقصر نیست، چرا که گرفتار است، تو هم مقصر نیستی چرا که بیش از این در اختیار نیست، مسؤولان بالاتر از تو هم مقصر نیستند، چرا که آنان نیز تمام تلاش را می‌کنند؛ حرف این است که اگر ارباب رجوع به خواسته‌اش نمی‌رسد لااقل فحش هم نشود، با عصبانیت و خشونت با او برخورد نشود، بلکه با خوش رویی و منطق قانع شود و با رضایت از نزد تو برگردد!.